

نگاهی به سیاست خارجی ازبکستان

قاسم ملکی^۱

ازبکستان که با چهار کشور دیگر آسیای مرکزی به علاوه افغانستان هم‌مرز است، دارای موقعیت مهمی در منطقه می‌باشد. این جمهوری با ظرفیت‌های بالثوة بسیار و جمعیت ۲۴ میلیون نفری از قدرت‌های آینده منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌گردد. وجود ساختارهای سیاسی و اقتصادی مرتبط با مسکو در ازبکستان که طی دهها سال حکومت شوروی ایجاد شده بود، ازبکستان را به ادامه روابط با مسکو مجبور ساخته است. انجام اقداماتی به منظور محدود نمودن حضور روسیه در ازبکستان و ایجاد مناسبات نزدیک با آمریکا از طریق اجرای طرحهای گوناگون منجر به نفوذ بیشتر ایالات متحده در این جمهوری شده است. روسها به‌نوبه خود تلاش داشته‌اند تا از طریق تمسک به ابزارهایی که در اختیار دارند از تسلط گلوگاههای اقتصادی ازبکستان توسط غرب جلوگیری کنند. ازبکستان در پی گذراندن مراحل اولیه استقلال خود سعی در پیگیری طرحهایی است که این کشور را در فاصله گرفتن از روسیه کمک کنند. با آشکار شدن رقابت روسها و آمریکایی‌ها برای تسلط بر منابع ازبکستان، کشورهای اروپایی نیز به‌عنوان نیرویی جدید در پی تأثیر بر تحولات سیاسی و اقتصادی ازبکستان می‌باشند.

ازبکستان در سپتامبر ۱۹۹۱ به‌عنوان کشوری مستقل در عرصه روابط بین‌الملل ظهور کرد. شرایط و مشکلات ناشی از فروپاشی شوروی این جمهوری را در زمینه سیاست خارجی مانند دیگر جمهوری‌های شوروی سابق با موقعیتی مواجه ساخت که مستلزم آن بود تا مسئولان انتخاب‌های قاطع‌تر بنمایند. این امر به واسطه موقعیت راهبردی این کشور به‌عنوان قلب آسیای مرکزی دشوارتر بود. یک مشخصه دیگر ازبکستان محصور بودن این کشور در خشکی است. موقعیت راهبردی، جغرافیایی و عدم برخورداری از راه‌های ارتباطی مناسب با جهان خارج سه مؤلفه‌ای هستند که سیاست خارجی ازبکستان را تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهند.

۱. آقای قاسم ملکی مدیر داخلی فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

سیاست خارجی ازبکستان بر تقویت و تحکیم استقلال ملی، جلب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انعقاد سیاسی و قراردادهای اقتصادی با تمامی کشورهای جهان تمرکز یافته‌است.

برای پیشرفت و نیل به این اهداف، ازبکستان به شماری از نهادها و پیمانهای همکاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پیوسته است؛ در حالی که بیشتر این پیمانها و موافقتنامه‌ها عملی نشده‌اند. چنین تعهدات و تدوین ساختارهایی مبنی بر ارتباط وسیع با دیگر کشورها بر توسعه اقتصادی در منطقه آسیای مرکزی تأثیر گذاشته و نتایج مستقیم دارد. از میان تمامی رؤسای جمهوری آسیای مرکزی (شاید به‌جز رئیس‌جمهوری ترکمنستان صفر مرادنیازاف) کریم‌اف با ایجاد سازمان‌های هماهنگی فرادولتی و اعطای وکالت و نمایندگی به قدرتهای معین مخالف است.

کریم‌اف حتی برای اجرای قراردادها یا حل نزاع‌ها و اختلافهای داخلی اتحادیه‌های منطقه‌ای دخالت سازمان‌های فرادولتی را ضروری نمی‌داند. تحکیم و یکسان نمودن یک کشور تازه تأسیس و تأکید بر یک هویت ملی مطمئن، مخالفت اعلام شده کریم‌اف نسبت به ساختارهای فرادولتی و اهداف روسها جهت همگرایی عمیق‌تر را تقویت نموده است. در نتیجه، تا زمانی که ازبکستان بر این باور است که فراهم نمودن ابزار لازم برای تحکیم قدرت مرکزی و اعمال حاکمیت ضرورت مبرم دارد، کوششها برای همگرایی و حتی همکاری کشورهای منطقه با تردید همراه است.

ازبکستان و همگرایی جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

از آغاز تأسیس جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، این نهاد، به واسطه نزاعها و اختلافات میان اعضا که بسیار طبیعی نیز بود فلج و زمین‌گیر شد. بعضی از کشورهای عضو جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع امیدوار بودند که این نهاد جایگاهی است که همکاری‌ها را تداوم بخشد، در حالی که بعضی دیگر از جمهوری‌ها این نهاد را به عنوان



سازمانی با مضمون «محکمه جدایی»^۱ برای مهیا نمودن مدیریت و راه کارهای بعد از فروپاشی و اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی می‌انگاشتند.^۲ با این که هراس از چیرگی و استیلای دوباره روس‌ها یک عامل وحدت و یکپارچگی میان جمهوری‌ها می‌باشد؛ با این وجود راههایی که کشورهای عضو جامعه مستقل مشترک‌المنافع جهت جدایی از روسیه و تمایز نسبت به این کشور می‌پیمایند متفاوت است: برای مثال، در حالی که قزاقستان علاقمند است که جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع برای اعمال نفوذ بیشتر بر رفتارهای روسیه به منظور الزام این کشور به رعایت یک رشته مقررات عمومی تأکید نماید ازبکستان به طور جدی از هر فرصت مناسب جهت مخالفت با هدفهای همگرایی روسها استفاده می‌نماید تا به روس‌ها مانع اصلی و پرده ابهام و تاریکی در مقابل طرح و برنامه توسعه طلبی روسیه در منطقه را ارائه دهد. همانند اوکراین، ازبکستان به عنوان یک قطب جنوبی مقاومت در مقابل تلاشهای روسیه برای اعمال نفوذ بر دیگر اعضای جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، عمل کرده است.

در حقیقت، بیداری و شناخت کریم‌اف و بدبینی و دیدگاه وی نسبت به جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع باعث شده تا ازبکستان نسبت به هرگونه تلاش و کوششی از طرف روسیه واکنش منفی نشان داده و موضعی فعالانه اختیار کرده و روسیه را در وضعیت دفاعی قرار دهد به نحوی که موقعیت این کشور را به عنوان پیشتاز جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تضعیف نموده و از اقتدار آن بکاهد. ازبکستان به طور معمول با پیشنهادهای روسیه مبنی بر بنیاد ساختارهای فرادولتی یا اتخاذ یک سیاست اقتصادی مشترک در درون جامعه از طرف اعضا مخالفت نموده است.

همچنین، ازبکستان با تمام نیرو نسبت به کوششهای روسیه برای اتخاذ تصمیمات شورای عالی جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع که تمام اعضا را مقید و محدود

1. Divorce Court

۲. مارک وبر، روندهای همگرایی جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع: روسیه و شوروی سابق (لندن؛ مؤسسه سلطنتی امور بین‌الملل، ۱۹۹۷).



می‌سازد مخالفت کرده است. همان‌طوری که عبدالعزیز کومیلوف^۱ وزیر خارجهٔ ازبکستان مطرح می‌کند: «جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع قویاً شبیه هیأت رئیسهٔ اتحاد جماهیر شوروی است».^۲

علاوه بر این، ازبکستان یکی از امضاکنندگان قرارداد جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در مورد امنیت دسته‌جمعی در سال ۱۹۹۲ و قرارداد تکمیلی آن در ۱۹۹۵ می‌باشد.

رئیس‌جمهور کریم‌اف در این زمینه اظهار کرده است که او مخالف تغییر نقش این نهاد به منزلهٔ یک اتحاد سیاسی - نظامی یا حتی به عنوان شورای مشورتی در مورد موضوعاتی شبیه گسترش ناتو به سوی شرق در گردهمایی‌های جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع است.^۳

در اکتبر ۱۹۹۷ گردهمایی سران جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در شیسیناوا^۴ در شرایط ضعف و عدم یکپارچگی این سازمان طی عمر شش ساله‌اش برگزار شد. در این گردهمایی اعضا پیگیری یک رشته از گفتگوهای مربوط به سرزنش و عیب‌جویی از مسکو را به وقت دیگری موکول کردند و نشست مذکور بدون امضای هیچ‌یک از ۱۷ سند مربوط به برنامهٔ کاری آن پایان یافت. برای دومین بار طی تاریخ بنیاد جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، یک گردهمایی از رهبران جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در اواخر آوریل ۱۹۹۸ برپا گشت ولی هیچ بیانیه و اعلامیهٔ مشترکی انتشار نیافت. به واسطهٔ عدم‌کارا بودن ساختار کنونی جامعهٔ کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و در جهت یکپارچگی و اجرای اسناد پذیرفته شده در همان چارچوب قبلی، کریم‌اف پیشنهاد نموده است تا ۳۰ درصد از کارکنان اداره مرکزی در مسکو به دلیل تورم کارمندان و مشکلات دیوان‌سالاری کاهش یابند.^۵ با وجود تأکید بسیار کریم‌اف مبنی بر شکست جامعهٔ کشورهای مستقل

1. Abdulaziz Komilov

۲. پراودا، ۲۲ فوریه ۱۹۹۶.

۳. بنیاد جامستون، مونیتر، ۱ آوریل ۱۹۹۷، ۱۳ ژانویه ۱۹۹۸.

4. Chisinau

۵. بنیاد جامستون، مونیتر، ۱۳ ژانویه ۱۹۹۸.



مشترک‌المنافع، وی از ملاقاتهای خود به عنوان وسیله‌ای برای گسترش رابطه با دیگر جمهوری‌ها به‌ویژه اوکراین سود جسته است. کریم‌اف به‌طور دائم از سیاسی و نظامی شدن جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع انتقاد نموده و مسکو را متهم می‌کند که از آن به‌منظور تأمین منافع خود استفاده می‌کند. وی همچنین معتقد است جامعه مزبور در اجرای تعهدات خود موفق نبوده است. کریم‌اف همچنین خروج کشور خود را از پیمان امنیت جمعی مشترک‌المنافع اعلام نمود. خروج نیروهای نظامی ازبکستان از تاجیکستان و عدم حضور نماینده مرزبانی این کشور در جلسه شورای فرماندهان مرزبانی کشورهای مشترک‌المنافع در دوشنبه و انتقاد کریم‌اف از مقامات دوشنبه به علت موافقت با استقرار پایگاه نظامی روسیه در آن کشور از موارد دوری تاشکند از جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و مسکو می‌باشد. ازبکستان به منظور جلوگیری از استقرار پایگاه نظامی روسیه در تاجیکستان، احتمال واگذاری پایگاه نظامی به آمریکا در ازبکستان را مطرح نموده است.

ازبکستان و اتحادیه آسیای مرکزی^۱، طرحی در مقابل جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع

در ابتدا، به‌منظور خنثی‌سازی و مقابله با نفوذ روسیه در منطقه از طریق کاهش نقش این کشور در جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، ازبکستان فعلاً نه توسعه ساختارها و توافقنامه‌ها برای ارتقای همکاری اقتصادی بین کشورهای آسیای مرکزی را ترویج نموده است. در ژانویه ۱۹۹۴، در پی اصرار تاشکند، سه دولت ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان در مورد یک «منطقه اقتصادی مشترک» به توافق رسیدند که هدف آن مجاز نمودن جریان آزاد سرمایه، کالا، نیروی کار، و اجرای سیاستهای مشترک مالی در مورد دیرکرد، قیمتها، مالیاتها، مشتریان و نرخ بهره عنوان شد. ساختارهای اتحادیه آسیای مرکزی شامل یک شورای بین دولتی متشکل از سه رئیس‌جمهور، یکی از نخست‌وزیران و یکی از وزرای دفاع می‌باشد. بانک توسعه و همکاری آسیای مرکزی که اداره مرکزی آن در آلماتی مستقر است برای تهیه



سرمایه لازم برای اجرای طرحهای مشترک تأسیس شده در حالی که هنوز هیچ یک از سه کشور به طور کامل تمامی سهم خود از سرمایه اولیه را نپرداخته‌اند و این امر تحقق طرحهای مشترک را به تعویق انداخته است.

تا سال ۱۹۹۶ قدمهای کمتری در جهت همگرایی سه کشور اتحادیه آسیای مرکزی برداشته شد و در یک گردهمایی در مه آن سال، سه کشور توجه خود را بر تقویت نیرو و توان جدید اتحادیه متمرکز کردند. شاید مهمترین نتیجه گردهمایی ذکر شده در ۱۹۹۶، اعلام طرحی برای شکل‌گیری یک گردان حافظ صلح زیر نظر سازمان ملل بود که بعداً به نام سینتراسبات^۱ معروف شد. مطلب قابل توجه اینکه موفقیت‌آمیزترین طرح اتحادیه آسیای مرکزی تاکنون تشکیل‌گردانی از نیروهای حافظ صلح جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به رهبری روسیه و شامل ۵۰۰ نفر از سه ملیت آسیای مرکزی است که در ناحیه چیمکنت^۲ (واقع در جنوب قزاقستان) مستقر می‌باشند.

گردان مشترک در حال آموزش و تربیت به‌عنوان بخشی از برنامه «مشارکت برای صلح»^۳ ناتو بوده و هدف آن است که سرانجام این نیرو به عنوان نیروی رسمی حافظ صلح سازمان ملل تلقی گردد.

شاید ازبکستان فعالترین کشور در میان جمهوری‌های جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در مورد برنامه «مشارکت برای صلح» باشد که از طریق ناتو در ۱۹۹۴ به منظور تقویت همکاری بین ناتو و کشورهای اروپای شرقی و جمهوری‌های شوروی سابق همراه با برنامه‌های مشترک آموزشی و تمرینات نظامی قبول مسئولیت کرده و خود را به انجام آن ملزم نموده است. همچنین، ازبکستان در سه طرح به‌کارگیری نیروهای حافظ صلح برنامه «مشارکت برای صلح» به‌علاوه تمرین نظامی اصلی و بزرگ «سنتراسبات ۹۷» که در چیرچیک^۴ ازبکستان و چیمکنت قزاقستان در سپتامبر ۱۹۹۷ اجرا گشت، شرکت کرد.^۵ در ملاقات

1. Centrasbat

2. Shymkent Region

3. Partnership for Peace (PfP)

4. Chirchik

۵. گزارش کامل از عملیات نظامی «سنتراسبات ۹۷» شامل سربازان ۸ کشور به‌علاوه گروه ویژه‌ای از لشکر ۲۸ هوآبرد آمریکا در روزنامه *Toshkent Oqshomi*، چاپ تاشکند، مورخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۷ و *Pravda Vostoka*، مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ آمده است. از دیگر تمرینات مربوط به حفظ صلح از برنامه «مشارکت



رؤسای جمهوری پنج جمهوری آسیای مرکزی در ژانویه ۱۹۹۸ در عشق‌آباد، شرکت‌کنندگان در مورد امکان توسعه اتحادیه آسیای مرکزی از طریق عضویت جمهوری‌های تاجیکستان و ترکمنستان بحث کردند. در پی بیطرفی اعلام شده ترکمنستان، این کشور کمتر به پیوستن به اتحادیه آسیای مرکزی تمایل نشان داد ولی در عین حال به عنوان یک ناظر تنها نیز عمل نکرد. امامعلی رحمان‌اف رئیس جمهوری تاجیکستان با اظهار ناخشنودی از عملکرد جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، تمایل کشورش را برای پیوستن به اتحادیه آسیای مرکزی ابراز نمود؛ در حالی که فقط وضعیت ناظر را داراست.

شاید یک دلیل مهمتر برای برپایی گردهمایی که به طور سری برگزار شد، تعیین و تصویب یک موضع واحد در رابطه با احداث خطوط لوله برای صادرات منابع نفت و گاز بود که الزاماً از روسیه عبور می‌کنند.^۱ روسیه که از ژوئیه ۱۹۹۷ موقعیت ناظر را در اتحادیه آسیای مرکزی داراست، قبلاً از برپایی این گردهمایی مطلع نشده بود.

در ۲۶ مارس ۱۹۹۸ موافقتنامه مربوط به عضویت تاجیکستان در اتحادیه آسیای مرکزی از طرف رؤسای جمهور ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان و تاجیکستان امضا شد.^۲ در پی این تحول، رؤسای جمهور قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و بلوروسی، به جمهوری تاجیکستان اجازه ورود به اتحادیه گمرکی چهارجانبه جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را دادند (که قبلاً جامعه دولتهای همگرا نامیده می‌شد)؛ این امر در کمتر از یک هفته بعد در ۲ آوریل ۱۹۹۸ در نتیجه بروز علائمی مبنی بر احتمال حرکتی از طرف روسیه برای مقابله با موقعیت ازبکستان در تاجیکستان انجام شد تا نفوذ روسیه در آنجا همچنان حفظ شود.

به‌رغم ابتکارات امیدوارکننده، اتحادیه کشورهای آسیای مرکزی هنوز از جنبه‌های عملی دور است. برای انعقاد قراردادهای فرمانطقه‌ای مستحکم به‌طور اجتناب‌ناپذیری از

برای صلح» که ازبکستان در آن شرکت کرده موسوم به «Kooperative Osprei 96» می‌باشد. (اوت ۱۹۹۶ در کارولینای شمالی - ایالات متحده)

۲. «تاجیکستان به اتحادیه اقتصادی آسیای مرکزی می‌پیوندد»، در آسیای مرکزی: جمع‌آوری هفتگی گزارشهای بی.بی.سی، ۲۹-۲۳ مارس ۱۹۹۸، ص ۱.



طرف این کشورها تلاش می‌شود به نحوی که اعضای این اتحادیه در جستجوی شرکای ثروتمندتر خارج از اتحادیه آسیای مرکزی برای کمک به نوسازی اقتصادهای ملی خود می‌باشند. با وجود پیشرفت در پیاده نمودن و اجرای تجارت آزاد، تعرفه‌های کشورهای عضو هنوز تماماً هماهنگ نشده‌اند؛ در دسامبر ۱۹۹۷، رهبران اتحادیه آسیای مرکزی ناراضییتی خود را از کاهش حجم تجارت بین جمهوری‌ها نسبت به سال ۱۹۹۶ اعلام کردند.^۱ علاوه براین، فقدان مکملی در میان اقتصادهای کشورهای عضو چشم‌اندازهای افزایش قابل توجه تجارت در داخل اتحادیه مذکور را محدود می‌نماید.

قابلیت اتحادیه آسیای مرکزی برای مقابله با سلطه روسیه به دلیل الحاق سه کشور آن اتحادیه به اتحادیه گمرکی با روسیه و بلوروسی، مختل شده است. وجود بیش از یک اتحادیه گمرکی در داخل جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع نگرانی‌هایی را ایجاد کرده است. قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان خود را ملزم به نزدیکی و وحدت بیشتر می‌یابند و در نتیجه آثار دو ابتکار ذکر شده کاهش پیدا می‌کند.

کریم‌اف به وضوح و مکرر پیوستن به اتحادیه گمرکی جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را رد کرده و اظهار می‌دارد که چنین اتحادیه‌های جدیدی با ساختارهای فرادولتی نه تنها نیل به هدفهای جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را با مانع روبه‌رو می‌کند؛ بلکه همچنین جمهوری‌های آسیای مرکزی را به موقعیت وابستگی اقتصادی به روسیه می‌راند. کریم‌اف همچنین ادعا کرده است که اتحادیه گمرکی جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و به‌ویژه اتحادیه بیلوروسی - روسیه یک ماهیت «جغرافیای سیاسی» دارند در حالی که اتحادیه آسیای مرکزی به‌منظور همکاری اقتصادی بیشتر در منطقه آسیای مرکزی تأسیس شده است.

سیاست خارجی ازبکستان نسبت به سازمان همکاری اقتصادی (اگو)

فقط چند روز پس از شناسایی بین‌المللی ازبکستان به‌عنوان یک کشور مستقل، این

۱. رادیو آزادی و رادیو اروپای آزاد، بخش اول، ۱۵ دسامبر ۱۹۹۷.

کشور خواستار پیوستن به اکو شد. اعضای اولیه اکو (شامل سه کشور ایران - ترکیه - پاکستان) به منظور تلاش برای ایجاد بازار مشترک اسلامی، از چهار کشور دیگر آسیای مرکزی به علاوه آذربایجان و افغانستان برای پیوستن به اکو نیز دعوت کردند.

با گردآوردن ده کشور با بیش از ۳۲۵ میلیون نفر جمعیت، اکو مرکزی مهم برای بحث راجع به مسایل منطقه‌ای محسوب می‌گردد و دارای ساختاری مؤثر است.

به‌رغم تلاشهای بسیار در سالهای اخیر برای ایجاد منطقه آزاد تجاری در حوزه اکو، کشورهای عضو باید به عوض کاهش تعرفه بازرگانی برای شمار محدودی از کالاهای تعرفه‌های بازرگانی را هماهنگ و یکسان کنند.^۱

به‌علاوه به دلیل رقابت برای نفوذ سیاسی به ویژه بین سه عضو مؤسس سازمان در سازمان همکاری اقتصادی گسیختگی ایجاد نموده است. در این شرایط، کریم‌اف اکو را به‌عنوان سازمانی در برای همگرایی دولتها ارزیابی نمی‌کند بلکه سازمانی برای غیرسیاسی نمودن بازارها و عاری از تأثیر جهان‌بینی‌ها بر آن ارزیابی می‌کند. بعضی دولت‌های عضو در پی گسترش برنامه‌ها و اهداف اکو بوده‌اند که این امر شامل اظهارات و بیانیه‌های سیاسی مشترک می‌گردد.

این دیدگاه‌های گوناگون در مه ۱۹۹۶ هنگامی که رئیس‌جمهور وقت ایران آقای هاشمی‌رفسنجانی در گردهمایی سران اکو راجع به «کشورهای دسته‌جمعی در لبنان به وسیله رژیم صهیونیستی و حملات وحشیانه رژیم اسرائیل با پشتیبانی حامیان آمریکایی» سخنرانی نمود؛ بیشتر نمایان شد. در پی آن کریم‌اف اعلام داشت که تلاشهای بیشتر برای تغییر دادن سازمان همکاری اقتصادی (اکو) به‌عنوان سازمانی سیاسی ازبکستان را ناگزیر خواهد ساخت تا از عضویت در آن صرف‌نظر کند.^۲ به مانند مورد قبل، در یک گردهمایی مسئولان اکو در مه ۱۹۹۷، وقتی که نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان مبحث حمایت از مسلمانان در هندوستان را مطرح کرد به کریم‌اف پیشنهاد شد که به‌طور غیر مستقیم پاکستان را به‌خاطر کمک به طالبان و

۱. ریچارد پومفرت، «سازمان همکاری اقتصادی: مرفعیات کنونی و دورنمای آینده»، مطالعات اروپا - آسیا، سال ۴۹ (شماره ۴)، ۱۹۹۷.
۲. نزاویسیمایا گازتا، ۲۲ دی ۱۹۹۶.

تشدید مشکلات در افغانستان مورد انتقاد قرار دهد.^۱ همچنین، در پیغامی که از طرف طالبان به اعضای اکو ارسال گشت از اخراج نماینده طالبان از گروه‌هایی سال ۱۹۹۷ و حضور رئیس‌جمهور برکنار شده افغانستان (برهان‌الدین ربانی) شکایت شد و حملات سیاسی شدید‌الحنی را متوجه اجلاس نمود.

کریم‌اف با ملاحظه ساختارهای همکاری و با توجه خاص به دیگر اعضا در گروه‌هایی سران اکو در مه ۱۹۹۷ هشدار داد که سازمان باید براساس تساوی و برابری صرف‌نظر از سطح پیشرفت کشور عضو یا تاریخ ورود آن کشور به اکو اداره شود.^۲

درباره جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، ازبکستان باید موضع معینی را که با موقعیت طرح شده «شریک بی‌میل» یا «مخالف کشورهای طرفدار همگرایی» در گروه‌هایی ۱۹۹۵ سران اکو در استانبول تطبیق کند اتخاذ نماید. برای مثال، ازبکستان و افغانستان تنها دو عضوی بودند که موافقتنامه حمل و نقل تجاری را امضا نکردند و این امر نشانگر اکراه ازبکستان نسبت به اصل عبور آزاد کالاها در حمل و نقل را نشان می‌دهد.^۳

ازبکستان و همسایگان آسیای مرکزی: نقش برتری طلبی منطقه‌ای؟

نقش ازبکستان به عنوان قدرت منطقه‌ای آسیای مرکزی از روزهای اولیه اقتدار و فرمانروایی شوروی سابق به رسمیت شناخته شده بود. در سال ۱۹۲۵، میخائیل کالینین^۴ عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی سابق، کمونیست‌های ازبکستان را ترغیب نمود که یک نقش سلطه‌طلبانه را در آسیای مرکزی ایفا کنند و مناسبات آنها با دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی همچون مناسبات شوروی با ازبکستان باشد.^۵

ازبکستان با جمعیت ۲۳/۴ میلیون نفری (مطابق سرشماری ژانویه ۱۹۹۷)^۶،

۱. بروک پانیر، «سازمان همکاری اقتصادی فاقدانسجام است»، رادپواروپای آزاد و رادپوی آزادی، ۱۶ مه ۱۹۹۷.

۲. نژاویسیما یا گازتا، ۲۰ ژوئن ۱۹۹۷.

۳. ریچارد پومفرت، «سازمان همکاری اقتصادی: موقعیت کنونی و دورنمای آینده»، ص ۶۶۰.

4. Mikhail Kalinin

۵. دونالد کارلیسل، «مسائل نژادی و جغرافیای سیاسی ازبکستان و همسایگانش»، باکوف روی، اوراسیای مسلمان: میراث مبارزه، (لندن: فرانک کاس ۱۹۹۵)، ص ۷۷.

۶. گزارش مربوط به حقوق بشر: ازبکستان، ۱۹۹۷ (تاشکند، طرح توسعه سازمان ملل، ۱۹۹۷)، ص ۵۲.

پُرجمعیت‌ترین جمهوری آسیای مرکزی محسوب می‌گردد. جمهوری ازبکستان با چهار کشور دیگر آسیای مرکزی هم‌مرز بوده و در هریک از این چهار جمهوری اقلیت قابل توجهی ازبک مقیم هستند (به جدول مراجعه شود). برعکس قزاقستان که یک جمهوری است که برپایهٔ نژادها تقسیم شده، ازبکستان یک جمعیت نسبتاً متجانس را داراست. علاوه براین، با وجود اینکه ازبکستان در مقایسه با ترکمنستان و قزاقستان از نظر منابع انرژی فقیر است، این جمهوری بزرگترین و بهترین نیروهای متخصص و آموزش دیده، صنایع توسعه یافته و حجم وسیعی از افراد تحصیل کرده را دارا می‌باشد؛ این جنبه‌ها همواره با قرار گرفتن شهرهای تاریخی بخارا و سمرقند در این جمهوری و دیگر ویژگی‌های برجستهٔ ازبکستان امکان‌های بالقوه بسیاری را فراهم نموده است تا «نژادگرایی ازبک»^۱ جمهوری ازبکستان را از دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی مشخص نماید.

توزیع جمعیت ازبک در کشورهای آسیای مرکزی (۱۹۸۹)

جمهوری	جمعیت (به میلیون)	درصد جمعیت ازبک در جمهوری
ازبکستان	۱۴/۱۲۳/۶۲۶	۷۱/۳
قزاقستان	۳۳۲/۰۱۶	۲۰
قرقیزستان	۵۵۰/۰۹۵	۱۲/۹
ترکمنستان	۳۱۷/۲۵۲	۹/۰
تاجیکستان	۱/۱۹۷/۰۹۱	۲۳/۵

ازبکستان بسیار علاقه‌مند به ارتقای روابط با قزاقستان است تا دیگر کشورهای آسیای مرکزی؛ با این درک که روابط با قزاقستان و تأمین جبهه‌ای واحد به مقاومت در مقابل تقاضاهای روس‌ها کمک می‌نماید. درعین حال، کریم‌اف و نورسلطان نظربایف رئیس‌جمهور

قزاقستان در بسیاری از زمینه‌ها از جمله ایفای نقش رهبری در منطقه آسیای مرکزی و جذب سرمایه‌گذاران خارجی رقبای طبیعی یکدیگر محسوب می‌شوند.

کریم‌اف از کوششهای همزمان نظریات برای جلب توجه مسکو و تاشکند نگران است و به ابتکارات رئیس‌جمهور قزاقستان برای ایجاد یک اتحاد آسیایی - اروپایی (یک طرح پیشنهادی که بازتاب و منتج از ترکیب نژادی موجود در قزاقستان است) بی‌اعتنایی می‌کند.

سختگیری اخیر مقامات قزاقستان در مورد مقررات گمرکی در مرز ازبکستان و قزاقستان باعث بروز تنش‌جاتی در مرزهای بین این دو کشور آسیای مرکزی گردیده است.^۱

روابط ازبکستان و قرقیزستان به لحاظ هراس رهبران قرقیزستان که احساس می‌کنند تاشکند بیش از اندازه به مسایل قرقیزستان حساس می‌باشد، تیره شده است. این حساسیتها و توجه‌های ویژه به دلیل نمایش قدرت کریم‌اف در اشکال گوناگون روابط را سردتر نموده که از جمله می‌توان تمرینات نظامی ازبکستان در منطقه اوش قرقیزستان در بهار ۱۹۹۳ بدون اجازه قبلی آقایف را نام برد.^۲

تنش‌ها در تابستان ۱۹۹۶ آشکار شدند و به تدریج افزایش یافتند و این هنگامی بود که مسئولان ناحیه اوش که شمار بسیاری از ازبک‌ها در آنجا زندگی می‌کنند و همچنین رهبران قرقیزستان، تاشکند را به ادعاهای ارضی نسبت به قرقیزستان و «تقویت تسلیحاتی بسیار زیاد و علنی خود»^۳ متهم نمودند.^۴

ازبکستان با همسایگان در دوره‌های زمانی مختلف اختلافهایی در مورد اختصاص منابع آب و پرداخت بهای گاز و نفت ارسالی داشته است. امتناع از تحویل نفت و گاز از طرف تاشکند منجر به بروز کمبودهایی در جمهوری‌های قرقیزستان، تاجیکستان و قزاقستان گشته است. در مورد روشی که ازبکستان برای استفاده از مخازن آب قرقیزستان اعمال می‌نماید از مدت‌ها پیش اختلاف نظر و مشاجره وجود داشته است. در زمان شوروی سابق بیشتر منابع آب

۱. کریم‌اف: نژادسیمباگازتا، ۲۲ آوریل ۱۹۹۸

۲. مارتا بریل اولکات، دوشهای جدید آسیای مرکزی، (واشنگتن، دی‌سی: مؤسسه آمریکایی انتشارات صلح، ۱۹۹۴)، ص ۱۰۷.

3. Openly arming itself

۴. جانیش رستمبکف، فرماندار ستیزه‌جوی ناحیه اوش با حکم رئیس‌جمهور در ژوئیه ۱۹۹۶ برکنار شد.

قرقیزستان برای آبیاری مزارع پنبه ازبکستان مصرف می‌شد. به دلیل عدم رضایت از ترتیب استفاده از منابع آب قرقیزستان توسط ازبکستان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، قرقیزستان در قبال تأمین آب برای ازبکستان مبالغی را مطرح و تقاضا کرد که متقابلاً ازبکستان تهدید کرد در پاسخ به هر عملی زغال‌سنگ و گاز ارسالی به قرقیزستان قطع می‌گردد.

با وجود اینکه دو کشور در سال ۱۹۹۴ به یک توافق غیررسمی براساس مبادله پایاپای رسیدند، پارلمان قرقیزستان راه‌حلی را در ژوئن ۱۹۹۷ مطرح کرد که بر مبنای تجدیدنظر و اصلاح در مواد موافقتنامه قبلی، ازبکستان و قزاقستان برای تأمین هزینه‌های نگهداری سیستم‌های مهندسی آب باید وجوهی را به قرقیزستان بپردازند. به این ترتیب بخشی بیشتر از منابع آب قرقیزستان برای مصارف این کشور ذخیره می‌گردد، در صورتی که درحال حاضر قرقیزستان فقط حدود ۲۰ درصد از منابع آبی خود را در اختیار دارد.^۱ به‌عنوان یک قدم در جهت حل مشکلات مربوط به توزیع منابع طبیعی، در ملاقات سران کشورهای عضو اتحادیه آسیای مرکزی در ژوئیه ۱۹۹۷ تصمیم گرفته شد که یک نشست بین‌المللی که موضوع‌های آب، منابع قدرت، استخراج و عمل‌آوری منابع معدنی و تولید مواد غذایی مربوط به کشورهای منطقه را مورد بحث قرار دهد، تشکیل گردد. کریم‌اف در گردهمایی سران کشورهای عضو اتحادیه آسیای مرکزی تأکید نمود که نشست آینده باید به «بازار، نه اصول سیاسی» بپردازد.^۲

در حالی که روابط دیپلماتیک ازبکستان با قرقیزستان در مجموع خوب بوده است، روابط ازبکستان با ترکمنستان به‌طور قابل توجهی در سالهای آغازین دوره استقلال سرد بود. در اکتبر ۱۹۹۵ رئیس‌جمهور ترکمنستان صفر مرادنیازاف به‌طور ناگهانی یک برنامه دیدار دوازده و ملاقات با کریم‌اف را لغو کرد که اولین گفتگوهای رسمی دو رئیس‌جمهوری پس از فروپاشی شوروی محسوب می‌گشت. به علت عدم توافق در مورد آب مشترک مورد استفاده و حقوق مالکیت مشترک در مورد ذخایر نفت و گاز که در نواحی مرزی دو کشور قرار دارند،

۱. نژاوسیمایاگازتا، ۱۳ مارس ۱۹۹۸.

۲. مصاحبه آرکادی دویانف با دو رئیس‌جمهور (اسلام کریم‌اف و عسگر آقایف)، رادیو اروپای آزاد و بخش سخن‌پراکنی ویژه رادیو آزادی، ۱۴ اوت ۱۹۹۷.

ماهها روابط تیره ادامه داشت تا اینکه سرانجام در ژانویه ۱۹۹۶ برای امضای یک رشته قرارداد در مورد مسایلی از قبیل مدیریت آب، حفاظت از منابع طبیعی، میزان سهمیه دو کشور از آبهای رودخانه آمودریا که بخشی از مرز ترکمنستان و ازبکستان را شامل می‌شود، مقامات دو کشور با یکدیگر ملاقات کردند. اخیراً نیز کریم‌اف تلاشهای ویژه‌ای را برای متقاعد نمودن ترکمنستان برای پیوستن به اتحادیه آسیای مرکزی آغاز نموده است که قاعدتاً به نفوذ و تأثیر ازبکستان می‌افزاید.

روابط ازبکستان با روسیه و ایالات متحده آمریکا

تحولات روابط خارجی این کشور نشان‌دهنده رقابت جدی دو کشور آمریکا و روسیه در کسب جایگاه بهتر در ازبکستان می‌باشد. در سال ۱۹۹۸ روابط ازبکستان و روسیه بهتر از سالهای پیش بود. سفر کریم‌اف در سال ۱۹۹۸ به روسیه در چارچوب روابط دوجانبه و نیز دیدار مقامات عالی‌رتبه روسیه، به‌ویژه بوریس یلتسین رئیس‌جمهور آن کشور از تاشکند گویای توسعه روابط دو طرف می‌باشد. از طرف دیگر، برای ازبکستان وجود یگانهای ارتشی روسی که در تاجیکستان حضور دارند، یک مانع برای دستیابی به اهداف آن کشور می‌باشد. این در حالی است که روابط آمریکا با ازبکستان تنزل ننموده و در مقایسه با سایر کشورها به غیر از روسیه، تاشکند بیشتر شاهد دیدار مقامات آمریکایی اعم از کنگره یا وزارت خارجه آن کشور بوده است. ازبکستان به‌منظور جلوگیری از استقرار پایگاه نظامی روسیه در تاجیکستان، احتمال واگذاری پایگاه نظامی به آمریکا در ازبکستان را مطرح نموده است.

شواهد موجود نشان می‌دهند ازبکستان و ناتو در صدد گسترش همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه هستند. افتتاح نمایندگی ازبکستان در مقر ناتو و سایر تحولات مؤید این ادعا است. به‌تازگی یک هیأت آمریکایی متشکل از مشاور ویژه وزیر خارجه آمریکا آقای سستانویچ، معاون وزیر دفاع و تعدادی از مسئولین اقتصادی آن کشور به مدت دو روز در چارچوب سفر به آسیای مرکزی در ازبکستان با مقامات این کشور از جمله رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و وزیر دفاع دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار نتایج اولین نشست کمیسیون مشترک ازبکستان و آمریکا، مسأله بسط روابط سیاسی - دفاعی - نظامی و اقتصادی به ویژه مسایل



مربوط به اولویت قابل شدن در توسعه همکاری‌های مستقیم بین تجار و سرمایه‌گذاران مورد بررسی قرار گرفت.

اسلام‌کریم‌اف رئیس‌جمهور ازبکستان در ملاقات با مقامات آمریکایی با اشاره به کمک‌های آن کشور به ازبکستان، این مساعدتها را برای تحکیم بیشتر استقلال، توسعه اصول دموکراسی و اجرای مؤثر اصلاحات اقتصادی در کشورش حائز اهمیت دانست. وی مهمترین مسأله مورد توجه ازبکستان را همگرایی با جامعه بین‌المللی و سیستم اقتصاد جهانی ذکر کرد. او افزود که به همین منظور باید روابط متقابل با کشورهای خارجی تعمیق گردیده و در مسایل مشترک فی‌مابین اتفاق نظر حاصل گردد. از این لحاظ مواضع ازبکستان و آمریکا در مسایل اساسی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی را مشابه دانست.

کریم‌اف گفت: «آمریکا یکی از پیشروترین شرکای تجاری ازبکستان محسوب می‌شود و توسعه بیشتر همکاری‌های بین ازبکستان و آمریکا مهمترین عامل نه تنها در توسعه اقتصادی بلکه در برقراری صلح و ثبات در آسیای مرکزی محسوب می‌گردد». او اظهار داشت: «ما مطمئن هستیم که محافل سیاسی آمریکا با علاقه زیاد به اصلاحات جاری در ازبکستان نگاه می‌کنند».

معاون وزیر خارجه آمریکا دیدار خود را از ازبکستان سودمند و با اهمیت خواند. با توجه به نزدیکی دیدگاه‌های ایالات متحده و ازبکستان و گرمی مناسبات دو کشور مسایلی مربوط به تحکیم صلح و ثبات در منطقه و مبارزه علیه افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم و نیز مسایل نظامی مورد گفتگو قرار گرفت.

سیاست خارجی ازبکستان و جمهوری اسلامی ایران

همسایگی و نزدیکی ازبکستان با دو کشور افغانستان و جمهوری اسلامی ایران و احساس خطر مسئولان ازبکستان از این قرابت جغرافیایی با توجه به وجود جمعیت عظیم تاجیک در این جمهوری و همچنین اعتقادات اسلامی مردم ازبکستان که در مقایسه با سایر کشورهای آسیای مرکزی از عمق و وسعت بیشتری (بعد از تاجیکستان) برخوردار است، موجب شده تا اشتغال ذهنی رهبران ازبکستان را حول تفکر اتحاد فارس‌زبانها و بنیادگرایی



اسلامی فراهم نماید. مسئولان ایران همیشه (طی هشت سال اخیر) تلاش داشته‌اند تا سطح مناسبات سیاسی و اقتصادی با ازبکستان را ارتقا بخشند ولی رهبران ازبک از این امر چندان استقبال نموده‌اند؛ این امر بیشتر به دلیل متفاوت بودن اصول سیاست خارجی دو کشور است:

نتیجه‌گیری

ازبکستان که با چهار کشور دیگر آسیای مرکزی به‌علاوه افغانستان هم‌مرز است، دارای موقعیت مهمی در منطقه می‌باشد. این جمهوری با ظرفیت‌های بالقوه بسیار و جمعیت ۲۴ میلیون نفری از قدرت‌های آینده منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌گردد. وجود ساختارهای سیاسی و اقتصادی مرتبط با مسکو در ازبکستان که طی دهها سال حکومت شوروی ایجاد شده بود، ازبکستان را به ادامه روابط با مسکو مجبور ساخته است. انجام اقداماتی به منظور محدود نمودن حضور روسیه در ازبکستان و ایجاد مناسبات نزدیک با آمریکا از طریق اجرای طرح‌های گوناگون منجر به نفوذ بیشتر ایالات متحده در این جمهوری شده است. روسها به‌نوبه خود تلاش داشته‌اند تا از طریق تمسک به ابزارهایی که در اختیار دارند از تسلط گلوگاه‌های اقتصادی ازبکستان توسط غرب جلوگیری کنند. ازبکستان در پی گذراندن مراحل اولیه استقلال خود سعی در پیگیری طرح‌هایی دارد که این کشور را در فاصله گرفتن از روسیه کمک کند. با آشکار شدن رقابت روسها و آمریکایی‌ها برای تسلط بر منابع ازبکستان، کشورهای اروپایی نیز به‌عنوان نیرویی جدید در پی تأثیر بر تحولات سیاسی و اقتصادی ازبکستان می‌باشند.